

## محدودیت‌های درک «عضلانی» از مفهوم طبقه کارگر

آرش کمانگر arash@funtrivia.com

این روزها از جنبش کارگری زیاد سخن گفته می‌شود، اما متأسفانه معدود افراد و جریاناتی هستند که در رابطه با فاعل و عامل این جنبش یعنی طبقه کارگر و مفهوم واقعی آن و نیز اثرات تحولات عظیم اقتصادی بر آن، تعمق کنند. توگویی که جنبش و اپوزیسیون، تعریف و ساختار طبقه کارگر را همچون بسیاری از اصول و مفاهیمی که ابدی و مقدس می‌شمرد، بدیهی و غیرقابل بحث می‌پندارند و حاضر نیستند حتی به اندازه یک دهم کار و تعمقی را که اندیشه و رزان چپ در عرصه بین‌المللی صورت داده‌اند را در مقیاس ایران طرح و دنبال کنند.

پرسش اساسی این است که آیا کارگر به مزدبگیرانی اطلاق می‌شود که کار «یدی» (جسمی) می‌کنند؟ و یا مضاف بر آن شامل کسی که کار «فکری» می‌کند نیز می‌شود؟

یعنی همه کسانی که فاقد مالکیت بر ابزارهای تولید، خدمات و ... هستند و مطلقاً از طریق فروش نیروی کار یدی و یا فکری خود به سرمایه دار و کارفرما، امرار معاش می‌کنند و از طریق تولید ارزش اضافی (ریشه استثمار کارگر و منبع سود صاحب سرمایه) به انباشت سرمایه در نظام کاپیتالیستی «یاری» می‌رسانند، جزو کثیرالعدده‌ترین طبقه عصر یعنی طبقه کارگر محسوب می‌شوند. همه ما به خاطر داریم که تا همین اواخر، نیروهای سیاسی کشورمان وقتی می‌خواستند پوستری به مناسبت اول ماه مه منتشر کنند و یا طرحی از جنبش کارگری در نشریه خود ترسیم نمایند، معمولاً تصویری از کارگر ارایه می‌دادند که بیشتر شبیه «هرکول» در افسانه‌های یونان باستان بود تا یک کارگر عادی. تصویر آنها از کارگر، تصویر یک کارگر انقلاب تکنولوژیک که به طور جسمی و یا فکری، اقتصاد را پیش می‌برد نبود. تصویر آنها از کارگر بیشتر نماد «چلنگری» بود که در دوران ماقبل سرمایه داری و اوان پیدایش آن بر سندان پتک می‌کوبید.

این کپیبه استالینی از مفهوم طبقه کارگر، پرولتاریا را بدل به یک قشر کوچک می‌نمود که همچون قهرمانان افسانه‌ای وظیفه‌رهایی کل بشریت را داشت. حال آنکه تبیین پایه‌گذاران سوسیالیسم علمی (حتی در ۱۵۰ سال پیش) از اساس با درک عقب مانده و عضلانی شیفتگان گفتمان استالینی از تعریف «کارگر» تفاوت دارد.

برای نمونه در همان زمان از کارل مارکس سوال می‌کنند که «خواننده» را می‌توان کارگر دانست؟ و او پاسخ می‌دهد که خواننده، اگر فقط برای عشق دل خود بخواند نه، اما اگر در یک کاباره بخواند یعنی در ازای عرضه هنر خود از مالک کاباره دستمزد دریافت کند می‌توان او را یک کارگر پنداشت.

این اظهار نظر صریح زمانی مطرح گردید که هنوز سرمایه داری به ابعاد و پیشرفت کنونی دست نیازیده بود، و الا با وقوع انقلاب تکنولوژیک سوم در دهه‌های پایانی قرن بیستم و تعمیق آن در قرن کنونی، یعنی انقلابی که با اتوماتیزاسیون کامل پروسه تولید، رباتی شدن کارها، کامپیوتریزه شدن امور اقتصادی و اجتماعی، دگرگونی عظیم در سیستم ارتباطات و اطلاع‌رسانی، اینترنت و غیره می‌توان با قاطعیت بیشتری از کارگر بودن مزدبگیران «فکری» سخن گفت. و به راستی اگر قرار باشد در این «دهکده جهانی»، پرولتاریا صرفاً به کارگران کارخانجات و رشته‌هایی خطاب شود که هنوز نیروی بازو، عرق جبین، یقه چرک و دست پینه بسته، ویژگی‌های آن محسوب می‌شوند، چگونه می‌توان این بخش از نیروی کار را که دایماً به مدد رشد علم و تکنولوژی در حال کوچک شدن هستند، کماکان کثیرالعدده‌ترین طبقه جهانی را ارزیابی کنیم و حکومت منبعث از اراده طبقاتی آنها را، نه حکومت اقلیت بلکه حکومت اکثریت بینداریم؟! برای اجتناب از چنین قرائت محدود کننده‌ای، لازم است حول چند نکته کلیدی توافق کنیم:

۱. کارگر مزدبگیر صرفاً به کارگر یدی خلاصه نشود و کار فکری را نیز همچون کار جسمی، دارای قابلیت تولید ارزش اضافی و تصاحب آن توسط صاحبان سرمایه بدانیم.

۲. طبقه کارگر به همان شیوه‌ای که بنیان‌گذاران سوسیالیسم علمی تعریف کرده‌اند، تبیین شوند. یعنی همه آنها که بخاطر جبر اقتصادی نیروی کار خود را می‌فروشند و استثمار می‌گردند (بنابراین تنها آف مدیران و ماموران عالی‌رتبه‌ای که درآمدهایی بالا دارند که به آنها اجازه می‌دهد به اندازه کافی، سرمایه انباشت کنند تا از سود آن بهره‌برند) مستثنی شوند.

۳. پرولتاریا به کارگران مولد محدود نشود بلکه شامل همه مزدبگیران غیر تولیدی نیز گردد که تحت شرایط بند دو قرار می گیرند.

۴. از طبقه کارگر مزدی، تعریفی عینی، نه ذهنی ارایه شود، یعنی موجودیت آن را منوط به سطح آگاهی اش ندانند. پارامتر اول، روی این حقیقت پافشاری می کند که مزدبگیرانی که به حای استفاده از نیروی بازو از مهارت های فکری خود بهره می جویند و یا حجم کار فیزیکی آنان نسبت به حجم به کار گیری نیروی دماغی آنها ناچیز است نظیر: معلمین، تکنسین ها، پرستاران، کارمندان، پزشکان فاقد مطب، مهندسیین حقوق بگیر فاقد موسسه و غیره نیز جزو طبقه کارگر محسوب می شوند. مارکس هم در جلد اول «کاپیتال» و هم در اثر اقتصادی دیگر خود به نام «تئوری هایی درباره ارزش اضافی» این اعتقاد را بازتاب می دهد. فردریک انگلس نیز در زیر نویس چاپ انگلیسی جزوه «مانیفست کمونیست» عدم مالکیت ابزار تولید و امرار معاش صرف از طریق فروش نیروی کار را مبنای تعریف کارگر می داند.

پارامتر دوم سعی دارد بر این نکته بکوبد که در تعریف طبقه نباید به معیارهای ساختگی نظیر: ضرورت کار فیزیکی، داشتن دستان پینه بسته، نوع شغل، کیسه پول و یا نقشی که در سازمان اجتماعی کار دارند متوسل شد. در این رابطه باید گفت که این فقط قرائت استالینی-مائوئی نبوده و نیست که به تعاریف من درآوردی فوق الذکر متوسل می شود، بلکه لنین نیز علیرغم اینکه در برخی آثار خود بخش هایی از مزدبگیران فکری (نظیر مهندسیین، تکنسین ها و کارمندان دفتری کارخانجات) را جزو طبقه کارگر (با عنوان «کارگر یقه سفید») ارزیابی نمود ولی در یکی دیگر از جزوات خود به نام «ابتکار عظیم» برای تعریف طبقه و از جمله کارگران، سه شرط قایل شده: ۱. رابطه ای که فرد با ابزار تولید و چگونگی مالکیت آن دارد ۲. نقشی که فرد در سازمان اجتماعی کار ایفا می کند و ۳. سهمی که شخص از درآمد جامعه به خود اختصاص می دهد. بعدها جنبش چپ با تفسیر افراطی این تزه، مدال تولید «خرده بورژوازی جدید» را به سینه زد و برای نمونه معلمین را که فاقد سرمایه هستند و صرفا از طریق حقوق ناچیز خود امرار معاش می نند، با تکیه بر کار فکری آنها و اینکه مثل کارگر صنعتی، کشاورزی و ساختمانی «عرق» نمی ریزند، بدلیل «نقشی که در سازمان اجتماعی کار» دارند و لابد به خاطر لباس اتوکشیده ای که دارند، خرده بورژوا نامیدند. دامنه این تفسیر «عضلانی» تا بدانجا پیش رفت که پاره ای حتی بخشی از لایه های اجتماعی فاقد شغل (نظیر دانشجویان و دانش آوزان) را تحت کاتاگوری «خرده بورژوازی جدید» ارزیابی نمودند!! و اما پارامتر سوم در دستگاه تحلیلی پیروان درک «غیرعضلانی» از طبقه کارگر که خصوصا اکنون در دوره جولان کامپیوترها و رشد سرسام آور بخش «خدمات» از اهمیت به سزایی برخوردار است اشاره به این نکته است که پرولتاریا صرفا شامل کارگران «مولد» نیست بلکه شامل مزدبگیران بخش خدمات غیرتولیدی و «اداری» نیز می شود. خصوصا که در دهه های اخیر به نحوه گسترده ای بر وزن این بخش از اقتصاد افزوده شده است. برای نمونه طبق آمار سازمان ملل حتی در سال ۱۹۸۹ از کل نیروی کار آمریکا ۲۰ میلیون در بخش تولیدی و در عوض حدود ۶۵ میلیون نفر در بخش خدمات فعالیت داشتند. در آلمان طی فاصله سی سال یعنی از ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۰ سهم نیروی کار در بخش های مختلف اقتصاد بدین شرح بوده اند: کشاورزی از ۲۲ درصد به ۵ درصد - صنعت در حد ثابت ۴۵ درصد باقی ماند - بازرگانی و حمل و نقل از ۱۶ به ۱۸ درصد و بخش خدمات از ۱۷ درصد به ۳۲ درصد افزایش یافت. چنانکه می بینید در شرایط سقوط نیروی کار د کشاورزی و ثبات سهم آن در صنعت، سهم نیروی کار شاغل در خدمات به حدود ۲ برابر افزایش یافته است.

همین تحول در اکثر کشورهای جهان نیز رخ داده است. برای نمونه از جمعیت ۶۵ میلیوین ایران، تنها کمتر از یک میلیوین نفر در بخش معادن و صنایع (کارگاه های ده نفر به بالا) اشتغال دارند، تازه نیمی از این کارخانجات نیز به دلیل بحران اقتصادی کشور، در حال ورشکستگی کامل هستند و اگر قرار باشد طبقه کارگر به همین قشر کوچک تنزل داده شود، معلوم نیست امر «انقلاب اجتماعی» را چه نیرویی عمدتا سازمان خواهد داد.

و بالاخره پارامتر چهارم در صدد اثبات این نکته است که از طبقه کارگر می بایست تعریفی عینی ارایه شود و نه ذهنی، این بدان معناست که موجودیت و هویت آن را منوط به سطح آگاهی اش نکنیم. مزد بگیر صرف نظر از اینکه خود را کارگر بداند یا نداند و یا نسبت به مناسبات سرمایه داری موضع انتقادی داشته باشد یا نه، کارگر محسوب می شود چون تعریف طبقه را از مولفه های اقتصادی استنتاج می کنند بنابراین جنسیت، ملیت، ذهنیت و درجه آگاهی

سیاسی تأثیری بر چگونگی تعریف طبقه کارگر ندارند.

بنابراین تنها از طریق فاصله گیری از درک «عصلانی» است که می توان کماکان این حقیقت را به اثبات رساند که طبقه کارگر کثیرالعدده ترین طبقه اجتماعی و انقلاب و حکومت منبث از آن بیانگر اراده اکثریت عظیم اما محرومی است که در مصاف با بهره کشی و سود پرستی نظام سرمایه، چیزی جز زنجیره های خود را ندارند که از دست دهند.

منابع:

۱. مارکس، بحران کنونی و آینده طبقه کارگری. ارنست مندل
۲. طبقه کارگر، - پیران آزاد
۳. انقلاب تکنولوژیک سوم و تحول در مفهوم طبقه کارگر، - آرش کمانگر
۴. کاپیتال (جلد یک) و تئوری های درباره ارزش اضافی، - کارل مارکس
۵. تحلیل طبقاتی، تاریخ و رهایی، - اریک الین رایت
۶. طبقات و تحلیل طبقاتی، - گوگ لیلمو کارچیدی
۷. نقدی بر کتاب «مارکس پس از مارکسیزم»، - مرتضی محیط

---

مندرج در هفته نامه پیوند ( کانادا ) - شماره ۳۰۲